

# اغلاط

مقام آقای مجدالعی

## قوانین - عدلیه

چندین غلط در قوانین عدلیه حین الطبع پیدا و در چاپهای مختلف بدون توجه عیناً نقل گردیده - چون تا کنون اقدام بتصحیح آن نشده - ذکر آنها را مفید میدانم

اغلاط مزبوره بشرح ذیل است

### اول

ماده پانصد و شصت و نهم قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی در نوزدهم ذی القعدة ۱۳۲۹ که بعد عیناً در قانون اصول محاکمات حقوقی معروف به **قانون آزمایش** - مصوب کمیسیون مخصوص وزارت عدلیه در هفتم ماده دی ۱۳۰۶ - تحت ماده سیصد و چهل و سه نقل گردیده - اینست :

هرگاه عین مفاد حکم مطابق یکی از مواد قانونی است ولی اسباب هوجه حکم با ماده قانونی دیگر که معنی دیگری دارد تطبیق شده آن حکم نقض میشود

خطی که در چاپ اول این ماده پیدا شده و هنوز هم در سایر چاپها بجامانده عبارت اسباب هوجه میباشد که بکلی از حایه معنی عاری است - بعضی از قضات عقیده دارند که اصلاً اسباب هوجه است -

مطلب نویسند **اسباب هوجه** است - زیرا - این ماده ترجمه از ماده دوست و سی و پنجم قانون محاکمات حقوقی مصر است و عبارت ماده مزبوره بنقل سلیس بانسب صاحب - شرح قانون المحاکمات الحقوقیه - در ضمن - **الباب السابع فیما یتعلق بالانهمیز** - در صفحه ۶۵۵ چاپ سوم در بیروت بسال ۱۹۲۵ - چنین است

ان حکم الاعلام ولو كان مطابقاً في ذاته امادة قانونية ولكن بين الاسباب الموجبه  
 وقع خطأ في فهم المعنى - اوجب تطبيقه على مادة قانونية اخرى ينقض  
 اى الاعلام

وموقع طبع يك با (+) وسط از كلمه موجبہ افتاده است

### دوم

در عبارت چابهای مختلف ماده اولی از قانون -- تعیین مجازات اداری  
 برای عدم رعایت مواد -- ۲۵۳ و ۴۴۵ و ۴۴۶ و ۴۴۷ -- قانون اصول محاکمات -  
 مصوب سوم سنبله ۱۳۰۱ در کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی -- نوشته شده  
 در مورد کلیه دعاوی که بموجب ماده ۲۵۳ قانون موقت اصول محاکمات  
 حقوقی پیش بینی شده است رعایت قواعد محاکمه اختصاری برای محاکم ابتدائی  
 اجباری است و در صورت تخلف از مفاد آن ماده رؤسای محاکم مطابق ماده ۱۸۸  
 قانون اصول تشکیلات عدلیه محکوم بکسر مقرری شش ماهه یا تنزل رتبه و اعضاء  
 محاکم محکوم بکسر ثلث مقرری از یک ماه الی شش ماه خواهند بود .  
 عبارت - ماده ۱۸۸ - اشتباه شده است زیرا ماده ۱۸۸ قانون اصول تشکیلات

عدلیه مصوب ۲۱ رجب ۱۳۲۹ در کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی اینست :  
 هر گاه مجلس مذکور (۱) حضور متشکی عنه یا متهم را لازم بداند باید  
 مشارالیه شخصاً حاضر شود و در صورتیکه بدون عذر موجه در موعد مقرر حاضر  
 نشد - آن عدم حضور او باعث توقیف رسیدگی نخواهد شد .

پس منظور - ماده ۱۸۰ میباشد چون ماده ۱۸۰ مجازات قضاة را تعیین نموده است  
 بطوریکه ذیلا ملاحظه میشود

تنبیها ت و سیاسات که برای حکام و صاحب منصبان عدلیه در صورت محکومیت  
 آنها در رسیدگی اداری (انتظامی) مقرر است از قرار ذیل است

(۱) - مقصود مجلس رسیدگی عالی است که در ماده ۱۸۱ مشروح است

(اولاً) تجدید کتبی

(ثانیاً) توییح و شماتت کتبی بدون درج در ورقه خدمت

(ثالثاً) توییح و شماتت کتبی با درج آن در ورقه خدمت

(رابعاً) کسر گذاشتن از مقرری ماهیانه الی یک ثلث در مدت از یک ماه الی

شش ماه

(حماً) تنزل از شغلی بشغل پایین تر

(سادساً) انفصال موقت

(سابعاً) انفصال از شغل و خدمت عدلیه

(توضیح)

مجازات قضات و صاحبمنصبان پار که ابتداء مطابق ماده ۱۸۰ قانون مذکور تشخیص میشود بعد مطابق قانون - استخدام حکام محاکم عدلیه و صاحبمنصبان پار که - مصوب ۲۵ حمل ۱۳۰۲ در کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی که از دهم ثور ۱۳۰۲ قایل اجراء گردیده محول شد بماده ۳۸ قانون استخدام کشوری مصوب ۲۲ قوس ۱۳۰۱ در مجلس شورای ملی - که در ماده ۳۳ قانون استخدام قضات و صاحبمنصبان پار که و مباشرین ثبت اسناد - مصوب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی در ۲۸ اسفند ماه ۱۳۰۶ و قابل اجراء از ۱۵ فروردین ۱۳۰۷ تصریح و تسجیل گردید و بعداً مطابق ماده چهارم قانون تکمیل قانون استخدام قضات مصوب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی در سی ام تیر ۱۳۰۸ مجازات مخصوص معین و ماده ۲۳ قانون مزبور نسخ گردید

(سوم)

مقرر دوم از ماده هشتم قانون اصلاحی اصول محاکمات حقوقی میباشد که در

۳۲ جوزای ۱۳۰۲ مطابق هفتم ذی القعدة ۱۳۴۱ بعنوان قانون موقت تصرفات

در قانون اصول محاکمات حقوقی راجع بصلاحیه مصوب ۲۶ رمضان ۱۳۲۹ در کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی بتصویب رسیده. عبارت نسخه‌های مطبوع موجود اینست:

ثانیاً - دعاوی ضرر و خسارات ناشی از امتیازات از قبیل حق الطبع و حق التصنیف و امثال وغیر آن - دعاوی حقوقی ناشیه از امور جزائی در صورتیکه در هر یک از این دو مورد مدعی به بیش از چهارصد تومان (۱) نباشد

دو کلمه **و غیر** بین امثال و آن بکلی زائد است زیرا دارای معنی نسبت و عبارت نسخه چاپ اول چنین است

از قبیل حق الطبع و حق التصنیف و امثال آن

#### چهارم

ماده هیجدهم قانون اصول محاکمات حقوقی که در دهم دی ۱۳۰۶ بتصویب کمیسیون مخصوص وزارت عدلیه رسیده و قانون آزمایش معروف گردیده در چاپهای مختلف عبارت چنین شده :

در موارد ذیل عرض حال قبول ولی برای بجزریان افتادن باید تکمیل شود :

- ۱ - در صورتیکه مدعی محل اقامت مدعی علیه را معین نکرده یا بطور مبهم نشان داده و قید هم نکرده است که محل اقامت مدعی علیه را نمیداند.
- ۲ - وقتیکه که فقرات - ۶ - ۷ و ۹ و - ۱۰ ماده رعایت نشده باشد.
- ۳ - هر گاه محل اقامت مدعی معین نشده باشد.
- ۴ - وقتی که بعرض حال و اوراق منضمه به آن موافق قانون الصاق نمر نشده است.

(۱) این مواد مربوط بصلاح محدود است و حد نصاب صلاح محدود مطابق ماده ۸ قانون

اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۲۷ تیر ۱۳۰۷ در کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی یا تصد تومان شده که با اصلاح قانونی امروز پنجهزار ریال میشود.

۵ - وقتیکه مخارج اعلان و یا مخارج قانونی دیگری تأدیه نشده باشد :  
 غلط های ماده در اعداد فقره دوم است - چون ماده پنجم قانون مزبور میگوید  
 در عرض حال باید نکات مفصله ذیل قید شود :

۱- تعیین محکمه - که عرض حال آن داده می شود .

۲- اسم - اسم خانواده و پدر و شغل و اقامتگاه مدعی علیه .

۳- اسم - اسم خانواده و پدر و شغل و اقامتگاه مدعی علیه

۴- اسم - اسم خانواده - اسم پدر - شغل اقامتگاه و کیل یا کیسکه

عنوان ولایت یا قیمومت بجای مدعی عرض حال داده ( در صورتیکه عرض حال را  
 آنها داده باشند) و درین صورت اصل یا سواد و کالت نامه یا سندی که سمت عرض حال  
 دهنده را برای دادن عرض حال معین می کند باید ضمیمه عرض حال شود .

۵ - تعیین قیمت مدعی به مگر اینکه تعیین قیمت ممکن نبوده مدعی  
 به مالی نباشد .

۶ - تعهدات یا موجبات دیگری که حق مطالبه بمدعی داد و باعث ادعا  
 شده است بطوریکه مقصود واضح و روشن باشد .

۷ - ذکر ادله مثبتة دعوی ( یعنی ذکر تمام وسائلی که مدعی برای اثبات  
 ادعای خود دارد از اسناد و احکام و مطلعین و قرائن و اطلاعات محلی و غیرها )  
 باقید اینکه ادله مثبتة منحصر بهمین است .

تبصره : ادله مثبتة باید در تحت نمره نوشته شده و پس از هر دلیلی که سند کتبی  
 برای آن هست باید قید شود که سواد آن ضمیمه شده و اگر دلیل - مدعی  
 اطلاع مطلعین باشد باید پس از ذکر آن دلیل اسامی کلیه مطلعین با معرفی کامل

بطوریکه هویت آنها مشخص گردد قید شود .

بنا برین ماده پنجم فقرات نهم و دهم ندارد و مسلم اعداد غلط نوشته شده - با مراجعه به ماده ۱۹۵ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۹ ذی القعدة ۱۳۲۹ که هنوز بقوه خود باقی است معلوم میشود که مقصود فقرات سوم و چهارم و ششم و هفتم ماده پنجم است چون در ماده ۹۵ قانون اصول محاکمات مصوب ۱۹ ذی القعدة ۲۹ چنین می نویسد .

مواردیکه عرضحال را قبول کرده ولی به مجرای قانونی نمی اندازد از قرار ذیل است :

اولا - در صورتیکه مدعی محل اقامت مدعی علیه را معین نکرده یا بطور مبهم نشان داده و قید هم نکرده است که محل اقامت مدعی علیه را نمی داند .  
ثانیا - وقتیکه بعرضحال و سواد آن و سواد اسناد موافق قانون تمبر - الصاق تمبر نشده است .

ثالثا - در مواردیکه اسناد یا سوادهای مذکور در عرضحال یا در فهرستی که ضمیمه عرض حال شده است نباشد .  
رابعا - وقتیکه مخارج اعلان یا مخارج لازم دیگری تأدیه نشده باشد .  
خامسا - هر گاه محل اقامت مدعی معین نشده باشد

در موارد چهار فقره اولی این ماده بمدعی نواقص عرضحال را اطلاع داده . . . الخ

نظار - بعقیده بنده باید وزارت جلیله عدلیه در طبع قوانین نظارت کامل داشته باشد که باین کیفیت - قوانین غلط نشر نشده و اسباب سرگردانی يك قسمت قضاة مخصوصاً قضاة دور از مرکز نگردد

بخاطر دارم در ۱۳۰۹ زمانیکه در ملایر بودم سه یا چهار روز راجع بکامه

باقابله - ماده چهارم قانون سجل احوال مصوب بیستم مرداد ۱۳۰۷ در مجلس شورای ملی - گفتگو داشتیم چون يك قسمت عبارت ماده چهارم قانون مزبور باقل مجموعه ۱۳۰۷ مجله رسمی وزارت عدلیه چنین گردید

پس از یکسال از تاریخ تأسیس شعب سجل احوال در هر محل پدر یا مادر یا قابله . عاقبت الامر باین معنی متذکر شدیم که ممکن است بمجموعه قوانین دوره ششم مجلس شورای ملی مراجعه کردم معلوم شد که حرف یا غلط و صحیح آن پدر یا مادر و قابله - میباشد - جای خشنودی است که اخیراً در اوایل امسال (۱۳۱۲) اداره مجله رسمی در شماره - ۱۲۶۲ - غلط مرقوم را تصحیح نموده و بمباحثات بی نتیجه حاتم داد

## مسابقه ادبی (۱)

|                                    |                                     |
|------------------------------------|-------------------------------------|
| از کوی تو باد آورد بوئی طرب انگیزم | جان گشت زنو زنده زان بوی دلاویزم    |
| ای بر فلک خوبی خورشید جهان افروز   | سر گشته بمهرت من چون ذره ناچیزم     |
| آمد ز غمت جانم چون ساغر می براب    | پر گشت زخون دل پیمانہ لبریزم        |
| گفتم که پرهیزم از عشق و بعکس افتاد | عشق آمد و برد از دست سرمایه پرهیزم  |
| رفتم بگمت از دست وز پای در افتادم  | نه پای که بگریزم نه دست که بستیزم   |
| بسم الله اگر داری قصد سرو جان من   | کاین در رهت افشانم و آن در قدم ریزم |
| گر گرد بر انگیزی از خاک وجود من    | چون گرد مکن باور کز کوی تو برخیزم   |
| گر خاک شود جسمم در رهگذرت خستیم    | ور گرد شود خاکم در دامت آویزم       |
| ناصح چه دهی پندم دیوانه عشقم من    | پند تو نیاموزم با عقل نیامیزم       |

(محمد علی ناصح)

(۱) این غزل مدتی پیش ازین با اداره ارمغان رسیده و متأسفانه طبع آن فراموش شده بود اینک پس از معذرت و پوزش و امید قبول از طرف فاضل سخن سنج آقای میرزا محمد علیخان ناصح درج گردید (وحید)